



دیدگاه علامه محمدحسین حسینی تهرانی: مقدمه بودن علوم برای قرآن

فقیه نمی‌تواند قرآن را رها کرده، رجوع به سوی غیر قرآن کند. تمام علوم برای قرآن است و مقدمه قرآن. علم تفسیر برای قرآن است، علم حدیث برای قرآن است، علم اخلاق هم برای تزکیه و تحلی، و آن هم مقدمه برای عرفان الهی است. تمام اینها برای قرآن است...

فقیه نمی‌تواند قرآن را رها کرده، رجوع به سوی غیر قرآن کند. تمام علوم برای قرآن است و مقدمه قرآن. علم تفسیر برای قرآن است، علم حدیث برای قرآن است، علم اخلاق برای قرآن است، علم اخلاق هم برای تزکیه و تحلی، و آن هم مقدمه برای عرفان الهی است. تمام اینها برای قرآن است. بنابراین فقیه همیشه باید با قرآن مأنوس باشد؛ از خواندن قرآن و ممارست و مزاولت با قرآن، و تلاوت قرآن «فی آناء اللیل و النهار»، و به دست آوردن شأن نزول قرآن، و حالات پیغمبر(ص) در هنگام نزول قرآن، و از مفاد آیات قرآن و مصادرش، و تأویلات در آیات مؤوله و محکاماتش و ناسخ و منسوخ و مطلق و مقیدش مطلع باشد؛ و خلاصه باید شخصی باشد که: عارف به قرآن از جمیع جهات باشد. مبدأ و اصل علوم اسلامی قرآن است.

حال اگر انسان قرآن را رها کند و به سراغ علوم دیگر برود، مثلاً قرآن را کم بخواند و کتاب دعا بیشتر بخواند، ترک قرآن کرده است. یا قرآن را کم بخواند و کتاب حدیث مطالعه کند، یا بعضی از علوم دیگر را بخواند به طوری که قرآن مهجور شود، این شخص به جان و روح فقه نرسیده و فقه را مس نکرده است.

و حقا ما باید در اینجا اظهار شرمندگی و خجلت کنیم و اعتراف کنیم که حق قرآن را ادا نکرده‌ایم. ما شیعیان در مسأله ولایت خوب جلو آمده‌ایم، ولی قرآن را ترک کرده‌ایم؛ و سنی‌ها قرآن را گرفتند و ولایت را رها کرده‌اند. و لذا هر دو فرقه دستمان خالی است؛ زیرا که پیغمبر(ص) فرمود: «هُمَا مُقْتَرَنَان»، یکی از دیگری جدا نمی‌شود. پس اگر یکی را ترک کردیم و دیگری را گرفتیم، بالملازمه «إِنا» کشف می‌کنیم که: دیگری هم از دستمان رفته است.

چه عبارت بزرگی فرمود استاد ما علامه طباطبایی (رض): «شما شیعیان، قرآن را رها کردید و ولایت را گرفتید، و عامه به عکس، قرآن را گرفتند و ولایت را رها کردند و بالتلیجه هر دو از دستمان رفت!»

حفظ قرآن

باید اعتراف کنیم که به قرآن وارد نیستیم، بچه‌های ما قرآن نمی‌دانند، در حالی که بچه زود قرآن را حفظ می‌کند. پسرهای پانزده‌ساله ما باید قرآن را حفظ باشند.

انسان نباید به یک سوره خاص مثل سوره توحید و یا قدر و یا نصر در تمام نمازهای خود اکتفا کند، این موجب تضییع و مهجوریت قرآن می‌شود. مقداری را که هر مسلمان از قرآن متحمل است، همان مقداری است که از بر دارد و می‌تواند از حفظ بخواند، نه آنکه می‌تواند به مصحف مراجعه کند و از روی آن بخواند.

مسلمینی که فقط به سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و سوره «إِنا أنزلنه فی لیلہ القدر» در نمازهای خود اکتفا می‌کنند، در صورتی که همان مقدار را حفظ داشته باشند نه بیشتر از آن را، فقط به مقدار همان سوره از قرآن را تحمل کرده‌اند؛ و از مابقی قرآن بهره ندارند.»